

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

بدين يوم وبر زنده يك تن مبار
از آن به که کشور به دشمن دهيم

چو کشور نباشد تن من مبار
همه سر به سرتون به کشتني دهيم

www.afgazad.com

Literary-Cultural

afgazad@gmail.com

ابسي - فرهنگي

استاد م. نسیم «اسیر»
شهر بن - المان
م - سارج ۱۹۹۴ م

بستر پيرى

بگرفته گرييان مرا افسر پيرى
افکنده به سر پنجه زورآور پيرى
از موی سپيدى زده تاجى به سر من
نمide مرا پادشه کشور پيرى
آرامش من ، راحت من برده بتاراج
فوج غم افتادگى و لشکر پيرى
دارد اثر تلح به کام شکر و شير
پستان به لم داده مگر مادر پيرى
بر مهر درخشان نتوان دیده گشون
پستان به لم داده مگر مادر پيرى
در ميکده ام ره ندهد رند خرابات
تا جلوه گر بخت شده اختر پيرى
ضعف تتم از پاي فکنده ست وزحسرت
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
ای عمر ز كفرقه چه انداخته اى باز
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
ای درد عجب بامن آهنگ مصافت
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
آن شاهد گلچهره دگر رام نگردد
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
هر لحظه به گوشم رسد از قافله عمر
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
از شصت گذشتيم و شکستيم و خميديم
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
آزرده دل از رعشه ست و سر و پائيم
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
درمانده «اسیر» تو ز پرواز عجب نيست
با قامت خم گسته ولرزان سر پيرى
ره يافته بر بال و پرش ، شهپر پيرى